

Original Article

Investigating the Role of Gender Justice in Sustainable Urban and Rural Development in Kashan

Mehdi Maghsoodi Bidgoli¹, Esmail Jahanbakhsh^{2*}, Mansour Haghghatian³

1. Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

2. Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran. (Corresponding Author)
Email: esjahan@yahoo.com

3. Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

Received: 08 Oct 2018 Accepted: 18 Mar 2019

Abstract

Gender justice is a very important subject in the area of development in such a way that achievement of gender justice is very necessary for the countries' economy as reported by the global bank. The undeniable fact is that gender justice and equality are not the only demand of human main right and social justice rather they are required as a means of and a prerequisite to the development. Therefore, the present article's objective is comparative study of the role of gender justice in Kashan's work market parallel to the creation of sustainable development in urban and rural regions. The study population included the residents of Kashan out of whom 384 individuals were selected as the study sample volume based on multistage cluster sampling method. Factor analysis was the method of choice for investigating the validity and construct validity was utilized for measuring the reliability. The results indicated that the variables "women's access to the job opportunities" 0.35, "genders stereotypes in the area of women employment" -0.32, "men's emphasis on the women's house responsibilities" -0.38 and "the amount and type of the women's technical instruction and training" 0.53 are associated with sustainable development in Kashan.

Keywords: Access to the Job Opportunities, Gender Stereotypes, Life Control, Sustainable Development

Please cite this article as: Maghsoodi Bidgoli M, Jahanbakhsh E, Haghghatian M. Investigating the Role of Gender Justice in Sustainable Urban and Rural Development in Kashan. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 33-45*.

بررسی نقش عدالت جنسیتی در توسعه پایدار شهری و روستایی در شهرستان کاشان

مهدی مقصودی بیدگلی^۱، اسماعیل جهانبخش^{۲*}، منصور حقیقتیان^۳

۱. گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

۲. گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: esjahan@yahoo.com

۳. گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

چکیده

عدالت جنسیتی، موضوعی بسیار مهم در زمینه توسعه تلقی می‌شود، به صورتی که طبق گزارش بانک جهانی دستیابی به عدالت جنسیتی برای اقتصاد کشورها بسیار ضروری است. آنچه غیر قابل انکار است، این است که عدالت جنسیتی و برابری تنها یک خواسته برای حقوق اصلی انسان و عدالت اجتماعی نبوده، بلکه به عنوان یک ابزار و پیش‌شرط توسعه ضروری است. بنابراین در این تحقیق هدف بررسی تطبیقی نقش عدالت جنسیتی در بازار کار شهرستان کاشان در ایجاد توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی می‌باشد. جامعه آماری شامل ساکنین شهرستان کاشان است و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای متناسب تعداد ۳۸۴ نفر نمونه انتخاب گردید. جهت بررسی روایی از تحلیل عاملی و برای پایایی از روش اعتبار سازه استفاده شد. نتایج نشان داد که متغیر میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان ۰/۳۵، متغیر کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان ۰/۳۲-، متغیر تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان ۰/۳۸- و متغیر میزان و نوع آموزش فنی زنان ۰/۵۳، با توسعه پایدار در شهرستان کاشان ارتباط دارد.

واژگان کلیدی: دسترسی به فرصت‌های شغلی؛ کلیشه‌های جنسیتی؛ کنترل بر زندگی؛ توسعه پایدار

مقدمه

توسعه به معنای کنار گذاشتن ساختارهای کهن و جایگزین کردن ساختارهایی متناسب با دنیای مدرن همواره یکی از دغدغه‌های جوامع به خصوص جوامع در حال توسعه‌ای مانند ایران بوده است. یکی از مباحث مرتبط با توسعه اشتغال می‌باشد، در اغلب تحقیقات جامعه‌شناسی، به فعالیت زنان در حوزه کانون خانوادگی، چنانکه باید و شاید توجه نمی‌شود و غالباً اشتغال زنان به خانه‌داری کم‌اهمیت‌تر از اشتغال مردان تلقی می‌گردد. اهمیت کار زنان در محیط خانوادگی، هر چند علاوه جنبه‌های اقتصادی دارای آثار اجتماعی مثبت گوناگونی است، هنوز شناخته نشده است. از این رو، مسؤولیت‌های آنان در خارج از کانون خانوادگی به حساب نمی‌آید و بار وظایف خانه‌داری را سبک نمی‌سازد و همین امر از جمله عوامل مهم نابرابری در تقسیم کار درون خانواده می‌گردد. به رغم نابرابری موجود در تقسیم وظایف خانگی، افزایش روزافزون مشارکت زنان در تأمین نیروی کار اجتماعی درخور توجه است. افزایش اشتغال زنان از یکسو در تغییر الگوهای خانوادگی مؤثر است و از سوی دیگر، تغییر الگوهای ناشی از تحولات ساختاری خانواده و نیز بازتاب آن در مناسبات اجتماعی را آشکار می‌سازد. این واقعیتی است که جامعه ما، از یکسو با فشار الگوهای سنت مدارانه در زمینه نقش‌های زن و مرد و تقسیم کار مبتنی بر جنسیت رو به روست و از سوی دیگر، مشارکت بیش از پیش زنان در مسؤولیت و مشکلات زندگی خانوادگی و پذیرش نقش‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تر از جانب آنان را می‌طلبد.

عدالت از مفاهیم بسیار اساسی در توسعه است. به صورتی که توسعه بدون عدالت امکان تحقق نخواهد یافت. به عبارتی عدالت برای انجام هر عملی که هدف آن ارتقای سطح کیفی زندگیست، یک پیش‌شرط است. عدالت جنسیتی، موضوعی بسیار مهم در زمینه توسعه تلقی می‌شود، به صورتی که طبق گزارش بانک جهانی دستیابی به عدالت جنسیتی برای اقتصاد کشورها بسیار ضروری است. آنچه غیر قابل انکار است، این است که عدالت جنسیتی و برابری تنها یک خواسته برای حقوق اصلی انسان و عدالت اجتماعی نبوده، بلکه به عنوان

یک ابزار و پیش شرط توسعه ضروری است (۱). بحث جنسیت در ابتدا با تأکید بر توسعه اقتصادی و اشتغال زنان و روابط بازار کار آغاز شد، اما به مرور در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به طرح مسأله پرداخت، لذا تحلیل روابط جنسیتی، تقسیم کار، تعریف حدود و حقوق و مسؤولیت‌های زنان و مردان در خانواده و جامعه، متناسب با باورهای صحیح و خصوصیات فرهنگی و مذهبی جوامع، نقطه آغاز مهمی برای درک عدم توازن دسترسی به منابع اجتماعی و اقتصادی بوده و برای دستیابی به برنامه‌ریزی‌های توسعه، پیش‌شرطی ضروری است. فمینیست‌های رادیکال در تبیین علی نابرابری جنسی به طور عام و تقسیم جنسیتی نقش‌ها به طور خاص بر عنصر پدرسالاری تکیه می‌کنند. اوکلی (Okly) تقسیم کار جنسیتی در خانه به ویژه نماد آشکار آن، یعنی مادری را اسطوره‌ای پدر سالارانه می‌داند که نهادهای فرهنگی جامعه در پیدایش و تقویت آن بیشترین سهم را دارند. فمینیسم رادیکال تداوم الگوی جنسیتی تقسیم کار را نیز بر حسب کارکردهای مثبت آن برای طبقه مردان تبیین می‌کند. از این منظر، علت تداوم این الگو بهره‌ای است که مردان از آن می‌برند، زیرا در این الگوی تقسیم کار، همه زنان - اعم از همسران، مادران، خواهران و دختران - در خدمت همه مردان و تأمین نیازهای آنان قرار می‌گیرند. در نظریه اوکلی حفظ شرایط موجود بازار کار به خاطر گرایش‌های مردسالارانه موجود در سطح جامعه می‌باشد که منافع آن‌ها را حفظ و تأمین می‌کند. مطابق این نظریه زنان به عنوان یک برساخته می‌باشند و حق کنترل بر زندگی را دارا نمی‌باشند و اگر اراده‌ای از سوی مردان جهت حضور آن‌ها در بازار کار وجود نداشته باشد، آن‌ها نمی‌توانند در صحنه بازار کار حضور چشم‌گیری داشته باشند (۲). نظریه‌های نئوکلاسیک برای تبیین تفاوت‌های جنسیتی و این که چرا درآمد حاصل از کار زنان کم‌تر از مردان است، بر متغیرهایی مانند مسؤولیت‌های خانوادگی، نیروی جسمانی، آموزش‌های عمومی و فنی، ساعات کار، غیبت از کار، و جا به جایی در کار تأکید دارد که این متغیرها بهره‌وری کار و عرضه کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنا بر نظریه نئوکلاسیک، تفاوت مشاهده‌شده در درآمد مردان و زنان یا به دلیل بهره‌وری پایین زن‌ها و یا به

علت نارسایی‌های بازار کار است. به عبارت دیگر درآمد زن‌ها به این علت کمتر از مردها است که زن‌ها از سرمایه انسانی کمتری که عمدتاً آموزش است، بهره‌مند می‌شوند و از این رو بهره‌وری کار پایین‌تری نیز دارند. نوع آموزش‌های غیر کاربردی که برای زنان در نظر گرفته می‌شوند، سبب می‌گردد که زنان به شکل ماهوی توانایی حضور فعال در بازار کار و اثرگذاری بر توسعه را نداشته باشند. همچنین مسؤولیت‌های خانوادگی که برای زنان به صورت هنجاری در نظر گرفته شده‌اند، یعنی کار خانگی باعث ایجاد محدودیت برای زنان در بازار کار خارج از خانه شده است (۳).

یکی از معروف‌ترین نظریه‌های تجزیه‌شدن بازار کار، نظریه بازار کار دوگانه (Dual Labour Market Theory) است که بین دو نوع از مشاغل تمایز قائل می‌شود: مشاغل بخش اول که از لحاظ پرداخت دستمزد و فرصت‌های پیشرفت وضع نسبتاً خوبی دارد. در این مشاغل، ثبات کارگر در کار برای کارفرما اهمیت دارد، به این معنا که احتمال به کارگماردن مردها در مشاغل اولیه، که امکان ارتقای مزد و آموزش و پیشرفت زیادتر است، بیش از زن‌هاست؛ مشاغل بخش دوم که با مزد کم، تأمین کم‌تر و محدودیت پیشرفت رو به روست و به مشاغل بدون تحرک معروف است، امکان جذب زنان را که جا به جایی بیشتری را در بازار کار دارند، فراهم می‌سازد. از آنجا که غیبت و جا به جایی در مشاغل فاقد پیشرفت و سطح پایین که زن‌ها معمولاً در آن‌ها متراکم می‌شوند، زیادتر است، از این رو می‌توانیم به جای این‌که تفاوت‌های جنسیتی را ناشی از ویژگی‌های ذاتی زنان بدانیم، حداقل قسمتی از آن را با نوع مشاغل مرتبط کنیم. وجود چنین کلیشه‌های جنسیتی سبب گردیده است که زنان اساساً جذب مشاغل سطح پایین و بدون ثبات شوند و به همین دلیل توانایی اثرگذاری کمی داشته باشند. حق دسترسی به فرصت‌ها نیز مطابق این نظریه برای زنان یکسان با مردان نیست. زنان از فرصت‌های محدودتری برای حضور مفید در سطح جامعه و بازار کار و به تبع آن توسعه دارند (۴). تحقیقی با عنوان تمایز جنسی روستاییان در کار، فراغت، فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی انجام شده است (۵). در این طرح، اطلاعات در سه سطح

آبادی، خانواده و اعضای خانواده جمع‌آوری و برای هر سطح پرسشنامه جداگانه‌ای در نظر گرفته شده است. در سطح آبادی ۱۲۵، در سطح خانواده ۱۲۸ و در سطح اعضای خانواده ۳۱۱ اطلاعات گردآوری شده است. نتایج آزمون بیانگر آن است که تمایز جنسیتی آشکاری میان دختران و پسران روستایی در گروه سنی هفت تا یازده سال در مصرف کالاهای فرهنگی وجود ندارد و تنها تفاوت اندکی میان دو جنس از نظر فعالیت‌های هنری و بازی و ورزش وجود دارد (۶). تحقیق دیگری با عنوان جایگاه و نقش زنان در فرایند توسعه روستایی، مطالعه موردی استان گیلان در سال انجام داده است. این تحقیق در مورد کشف ماهیت و تحولات اشتغال زنان روستایی در یک حوزه همگن جغرافیایی در جلگه گیلان است. بر اساس یافته‌های تحقیق، بافت‌های زراعی و ساختار اجتماعی - اقتصادی تعیین‌کننده نقش زنان در نیروی کار کشاورزی است (۷). نتایج نشان می‌دهد آموزش تأثیر مثبت و معنی دار بر رشد اقتصادی ایران دارد و به هر میزان نابرابری جنسیتی در بخش‌های آموزش و اشتغال کاهش یابد نرخ رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. بنابراین با افزایش متوسط سال‌های تحصیل زنان رشد اقتصادی افزایش می‌یابد (۸).

تحقیقی با عنوان سیستم عدالت جنسیتی: دسترسی زنان به عدالت در ترکیه انجام داده‌اند. این مقاله بر روی شرایط دسترسی زنان به عدالت در ترکیه تمرکز دارد و این شرایط از نظر فقدان فرایند هنجاری و مکانیسم قانونی کافی که حقوق زنان را حفظ می‌کند، کمبود اطلاعات در مورد حقوق، مشورت و کمبود نمایندگی در مشکلات قانونی، دسترسی زنان به مؤسسات قضایی، هزینه‌های دادرسی بالا، همراه با سرعت آهسته برای شنیدن اعمال، روش‌های پیچیده و فساد در سیستم، عدم آگاهی از زبان قانونی و عدم توانایی در اجرای تصمیمات دادگاه موضوعات از جمله عواملی مشخص شده است که بر بی‌عدالتی جنسیتی اثرگذار بوده است.

غفاری تحقیقی با عنوان «جنسیت، عدالت و کار: رویکرد توزیعی به درک عدالت خدمتگزاری» در استرالیا انجام داده‌اند. در این مقاله ذکر می‌شود که اکثر زنان و مردان گزارش می‌دهند که تقسیم کار خانگی در خانه آن‌ها منصفانه است، با

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر دارد.
- ۲- کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر دارد.
- ۳- تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر دارد.
- ۴- میزان و نوع آموزش فنی زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر دارد.

مود و روش‌ها

این پژوهش با روش پیمایشی صورت گرفته است. جامعه آماری شامل ساکنان ۱۵ سال و بالاتر شهرستان کاشان می‌باشد. تعداد جامعه آماری ۲۸۲۸۶۵ نفر می‌باشد. به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. مطابق محاسبات انجام شده حجم نمونه برابر با ۳۸۴ نفر می‌باشد. فرمول محاسبه حجم نمونه کوکران نیز به صورت زیر است:

$$n = \frac{NZ^2P(1-P)}{d^2(N-1) + Z^2P(1-P)} = \frac{282865 \times 3/841 \times 0.25}{0.025^2 \times 282865 + 3/841 \times 0.25} = 384$$

در انتخاب جمعیت نمونه در این تحقیق، از نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. ابتدا با استفاده از روش خوشه‌ای، خوشه‌های هدف مشخص گردید و سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده نمونه مورد نظر مشخص گردید. بر اساس اطلاعات شهرداری کاشان کل شهر به ۵ منطقه تقسیم گردیده است و از بین این ۵ منطقه ۴ منطقه به صورت تصادفی انتخاب گردید و هر منطقه به تناسب جمعیت آن در نمونه نهایی به خود حجم اختصاص داد. تعداد حجم نمونه جمعیت شهری ۳۴۴ نفر می‌باشد. در ارتباط با جامعه روستایی نیز از بین ۱۰۶ روستای قابل سکونت تعداد ۵ روستا به شکل تصادفی جهت نمونه‌گیری

وجود این که زنان تقریباً ۷۰٪ خانه کار را انجام می‌دهند. این مسأله سؤالاتی راجع به این که چگونه عدالت در مشارکت ارزیابی می‌شود، مطرح می‌کند. با استفاده از داده‌های پانل از خانواده، درآمد و کار سیال در استرالیا بررسی و مدل رگرسیون پانل کشف می‌کنیم که چگونه والدین و ارتباطات و درک ادراک عدالت خدمت تغییر می‌کنند. نتایج ما نشان می‌دهد بعد خانوار، عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناختی، دسترسی به زمان و منابع نسبی، والدین، ادراکات زنان نسبت به عدالت خدمت را بلافاصله پس از تولد یک کودک افزایش می‌دهد، اما در طولانی‌مدت تأثیر آن‌ها کاهش می‌یابد (۹).

عدالت جنسیتی امروزه در بسیاری از مباحث اجتماعی محور اساسی می‌باشد و ارزش بحث دارد. بحث عدالت جنسیتی به سبب تأثیرگذاری آن بر ابعاد مختلف جامعه به ویژه در کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت است. بحث توسعه پایدار در سال‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است و عواملی که بر این فرایند اثرگذار باشند، ارزش مطالعه دارند. مسائل زنان، از دیرباز جزء مسائل مهم جوامع از جمله جامعه ایران بوده است. این امر در سال‌های پس از انقلاب صنعتی و تحقق مدرنیته، در کلیه جوامع از امتیاز و ویژگی بیشتری برخوردار گردید. منتهی در ایران خصوصاً پس از انقلاب اسلامی، با تعریف صحیح از رسالت زنان در جامعه اسلامی و ایجاد بستر لازم و مناسب برای مشارکت آنان در امر حکومت، اهمیت و حساسیت مضاعفی یافت. شهرستان کاشان به واسطه توزیع نسبی جمعیت آن در مناطق شهری و روستایی و از طرف دیگر قابلیت‌های توسعه موجود در این شهرستان مورد مطالعه مناسبی برای تحقیق می‌باشد. این شهرستان با توجه به این که یکی از مراکز مهم اقتصادی کشور محسوب می‌شود و توانسته است در جذب نیروی کار نسبت به شهرستان‌های اطراف وضعیت مناسبی داشته باشد، اما میزان درگیری جنسیت‌ها در حوزه اشتغال نشان‌دهنده این است که نوعی مردسالاری در حوزه اشتغال صورت گرفته است (۱۰).

سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: مؤلفه‌های عدالت جنسیتی چه تأثیری بر توسعه پایدار روستایی و شهری شهرستان کاشان دارند؟

انتخاب گردید. تعداد حجم نمونه جمعیت روستایی برابر با ۴۰ نفر در نظر گرفته شد.

تعریف متغیرهای پژوهش

۱- متغیر وابسته (توسعه پایدار)

۱-۱- **تعریف مفهومی:** توسعه پایدار: توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب به توانایی نسل‌های آتی برای برآوردن نیازهای‌شان می‌باشد.

پس از ارائه هریک از ۱۱ سؤال مربوط به متغیر توسعه پایدار، گزینه‌های جواب در یک طیف پنج قسمتی شامل موارد «کاملاً مناسب»، «مناسب»، «متوسط»، «نامناسب» و «کاملاً نامناسب»، در اختیار پاسخگو قرار می‌گیرد که به ترتیب ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ نمره کسب خواهند کرد.

۲- میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان

۲-۱- **تعریف مفهومی:** منظور موقعیت‌هایی می‌باشد که در بازار کار در شرایط برابر برای زنان مهیا می‌باشد.

۲-۲- **تعریف عملیاتی:** پس از ارائه هر یک از ۵ سؤال مربوط به متغیر میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان، گزینه‌های جواب در یک طیف پنج قسمتی شامل موارد «کاملاً موافق»، «موافق»، «بی‌نظر»، «مخالف» و «کاملاً مخالف»، در اختیار پاسخگو قرار می‌گیرد که به ترتیب ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ نمره کسب خواهند کرد.

۳- کلیشه‌ای جنسیتی در زمینه اشتغال زنان

۳-۱- **تعریف مفهومی:** منظور باورهای جنسیتی است که در ساختار اقتصادی پذیرفته شده است و بر چگونگی اداره بازار کار تأثیر دارد.

۳-۲- **تعریف عملیاتی:** پس از ارائه هر یک از ۴ سؤال مربوط به متغیر کلیشه‌ای جنسیتی در زمینه اشتغال زنان، گزینه‌های جواب در یک طیف پنج قسمتی شامل موارد «کاملاً موافق»، «موافق»، «بی‌نظر»، «مخالف» و «کاملاً مخالف»، در اختیار پاسخگو قرار می‌گیرد که به ترتیب ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ نمره کسب خواهند کرد.

۴- تأکید مردان بر مسؤلیت خانگی زنان

۴-۱- **تعریف مفهومی:** منظور تأکید مردان بر نقش‌ها و مسؤلیت‌های زنان در خانه به عنوان نقش اصلی آن‌هاست.

۴-۲- **تعریف عملیاتی:** پس از ارائه هر یک از ۴ سؤال مربوط به متغیر تأکید مردان بر مسؤلیت خانگی زنان، گزینه‌های جواب در یک طیف پنج قسمتی شامل موارد «کاملاً موافق»، «موافق»، «بی‌نظر»، «مخالف» و «کاملاً مخالف»، در اختیار پاسخگو قرار می‌گیرد که به ترتیب ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ نمره کسب خواهند کرد.

۵- میزان و نوع آموزش فنی زنان

۵-۱- **تعریف مفهومی:** منظور نوع آموزشی است که زنان در طی دوره تحصیل و کارورزی خود جهت مهارت‌آموزی فرامی‌گیرند.

۵-۲- **تعریف عملیاتی:** پس از ارائه هر یک از ۵ سؤال مربوط به متغیر میزان و نوع آموزش فنی زنان، گزینه‌های جواب در یک طیف پنج قسمتی شامل موارد «کاملاً موافق»، «موافق»، «بی‌نظر»، «مخالف» و «کاملاً مخالف»، در اختیار پاسخگو قرار می‌گیرد که به ترتیب ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ نمره کسب خواهند کرد.

روش برآورد اعتبار در این پژوهش اعتبار سازه‌ای می‌باشد. به لحاظ آماری یکی از راه‌های محاسبه این نوع اعتبار استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی است. نرم‌افزار به کاررفته برای این تحلیل آماری ایموس (Amose Graphic) بوده است (۱۱).

یافته‌ها

۱- یافته‌های توصیفی

نتایج فراوانی جنسیت نشان داد ۱۷۶ نفر پاسخگویان (۴۵/۸ درصد) مرد و ۲۰۸ نفر (۵۴/۲ درصد) زن می‌باشد. بر اساس اطلاعات به دست‌آمده در خصوص سطح تحصیلات نشان می‌دهد، تعداد ۸۲ نفر (۲۱/۴ درصد) تحصیلاتشان دیپلم و پایین‌تر بوده، تعداد ۷۸ نفر (۲۰/۳ درصد) فوق دیپلم، ۱۱۴ نفر (۲۹/۷ درصد) کارشناسی که بیشترین فراوانی را به

همچنین مقادیر کوچکتر از ۰/۰۵ برای مقدار P، حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه شده برای وزنهای رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۰/۹۵ است.

فرضیه اول: میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر دارد.

برای بررسی این فرضیه از همبستگی جزئی استفاده شده است. با توجه به (جدول ۱) بعد از کنترل متغیر سوم (محل سکونت) مشاهده می‌کنیم که رابطه بین میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان و توسعه پایدار در سطح ۰/۹۵ اطمینان معنادار است ($\text{sig}=0/003$) و شدت رابطه بین دو متغیر نیز برابر با ۰/۳۵ می‌باشد که بدین معناست میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان همبستگی معنادار و مثبت با توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی دارد. با توجه به جهت رابطه که مثبت می‌باشد همبستگی جزئی بین میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان و توسعه پایدار در بین ساکنین شهر بیشتر از ساکنین روستا می‌باشد.

جدول ۱: همبستگی جزئی بین دسترسی به فرصت‌های شغلی برای

زنان و توسعه پایدار با کنترل متغیر محل سکونت

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (sig)
همبستگی مرتبه اول (با کنترل متغیر محل سکونت)	۰/۳۵	۰/۰۰۳

ضریب رگرسیونی استاندارد مربوط به این فرضیه ۰/۳۲۸ می‌باشد. مقدار P مربوط به این فرضیه صفر و کوچکتر از ۰/۰۵ است که این گواه بر تأیید این فرضیه می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. بدین معنی با افزایش میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی

خود اختصاص داده‌اند، ۷۵ نفر (۱۹/۵ درصد) کارشناسی ارشد و ۳۵ نفر (۹/۱ درصد) تحصیلات دکتری بوده که کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. نتایج فراوانی محل سکونت نشان داد ۳۴۴ نفر پاسخگویان (۸۷٪) ساکن شهر و ۴۰ نفر (۱۳٪) ساکن روستا می‌باشد. نتایج فراوانی وضعیت تأهل نشان داد ۱۶۳ نفر پاسخگویان (۲۴/۴ درصد) مجرد و ۲۲۱ نفر (۵۷/۶ درصد) متأهل می‌باشد. نتایج فراوانی سنوات اشتغال نشان داد ۸۲ نفر (۲۱/۴ درصد) سابقه اشتغالشان بین ۱ تا ۵ سال، ۴۷ نفر (۱۲/۶ درصد) بین ۶ تا ۱۰ سال، ۶۹ نفر (۱۸/۰ درصد) بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۲۶ نفر (۶/۸ درصد) بالای ۱۶ سال که کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و ۱۶۰ نفر (۴۱/۷ درصد) بدون سابقه اشتغال بوده‌اند که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده بود. نتایج فراوانی سن نشان داد ۹۴ نفر (۴۵/۵ درصد) سنشان زیر ۲۰ سال می‌باشد. ۹۵ نفر (۲۴/۷ درصد) در طبقه سنی بین ۲۱ تا ۳۰ سال حضور داشتند که این طبقه سنی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است، ۸۹ نفر (۲۳/۲ درصد) در طبقه سنی بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۷۸ نفر (۲۰/۳ درصد) در طبقه سنی بین ۴۱ تا ۵۰ و ۲۸ نفر (۷/۳ درصد) سنشان بالای ۵۰ سال بوده است که این طبقه سنی کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

۲- آزمون فرضیه‌های تحقیق

در این بخش ابتدا جهت بررسی تطبیقی نتایج آزمون فرضیات در بین ساکنین شهر و روستا از آزمون همبستگی جزئی استفاده می‌شود و از برنامه ایموس برای تحلیل مدل و بررسی فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است. پس از بررسی تأیید الگوی پیشنهادی پژوهش برای آزمون معناداری فرضیه‌ها از شاخص Value-P استفاده شده است. بر اساس سطح معناداری ۰/۵ مقدار نسبت بحرانی باید بیشتر از ۱/۹۶ یا کمتر از ۱/۹۶- باشد. مقدار پارامتر بین دو دامنه در الگو مهم شمرده نمی‌شود. برای آزمون معناداری فرضیه‌ها، اکنون از دو شاخص جزئی مقدار بحرانی CR و P استفاده شده است. بر اساس سطح معناداری ۰/۰۵ مقدار بحرانی باید بیشتر از ۱/۹۶ باشد، مقدار پارامتر کمتر از این، در الگو مهم شمرده نمی‌شود.

زمینه اشتغال زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد. بدین‌معنی با افزایش کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان، توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان کاهش پیدا می‌کند و برعکس (جدول ۴).

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

جهت	ضریب رگرسیونی	نسبت بحرانی (C.R)	P	نتیجه
معکوس	-۰/۳۷۱	-۷/۸۱۴	۰/۰۰۰	تأیید

فرضیه سوم: تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر دارد.

برای بررسی این فرضیه از همبستگی جزئی استفاده شده است. با توجه به (جدول ۵) بعد از کنترل متغیر سوم (محل سکونت) مشاهده می‌کنیم که رابطه بین تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان و توسعه پایدار در سطح ۹۵٪ اطمینان معنادار است ($\text{sig}=۰/۰۰۳$) و شدت رابطه بین دو متغیر نیز برابر با ۰/۳۸- می‌باشد که بدین معناست تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان همبستگی جزئی معنادار و منفی با توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی دارد. با توجه به جهت رابطه که منفی می‌باشد، همبستگی جزئی بین تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان و توسعه پایدار در بین ساکنین روستا بیشتر از ساکنین شهر می‌باشد.

جدول ۵: همبستگی جزئی بین تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی

زنان و توسعه پایدار با کنترل متغیر محل سکونت

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (sig)
همبستگی مرتبه اول (با کنترل متغیر محل سکونت)	-۰/۳۸	۰/۰۰۳

برای زنان، توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان افزایش پیدا می‌کند و برعکس (جدول ۲).

جدول ۲: نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

جهت	ضریب رگرسیونی	نسبت بحرانی (C.R)	P	نتیجه
مستقیم	۰/۳۲۸	۶/۸۰۳	۰/۰۰۰	تأیید

فرضیه دوم: کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان

بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر دارد.

برای بررسی این فرضیه از همبستگی جزئی استفاده شده است. با توجه به (جدول ۳) بعد از کنترل متغیر سوم (محل سکونت) مشاهده می‌کنیم که رابطه بین کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان و توسعه پایدار در سطح ۹۵٪ اطمینان معنادار است ($\text{sig}=۰/۰۰۴$) و شدت رابطه بین دو متغیر نیز برابر با ۰/۳۲- می‌باشد که بدین معناست کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان همبستگی جزئی معنادار و منفی با توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی دارد. با توجه به جهت رابطه که منفی می‌باشد، همبستگی جزئی بین کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان و توسعه پایدار در بین ساکنین روستا بیشتر از ساکنین شهر می‌باشد.

جدول ۳: همبستگی جزئی بین کلیشه‌های جنسیتی در زمینه

اشتغال زنان و توسعه پایدار با کنترل متغیر محل سکونت

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (sig)
همبستگی مرتبه اول (با کنترل متغیر محل سکونت)	-۰/۳۲	۰/۰۰۴

ضریب رگرسیونی استاندارد مربوط به این فرضیه ۰/۳۷۱- می‌باشد. مقدار P مربوط به این فرضیه صفر و کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که این گواه بر تأیید این فرضیه می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که کلیشه‌های جنسیتی در

ضریب رگرسیونی استاندارد مربوط به این فرضیه ۰/۳۰۶- می‌باشد. مقدار P مربوط به این فرضیه صفر و کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که این گواه بر تأیید این فرضیه می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که تأکید مردان بر مسئولیت خانگی زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد. بدین معنی با افزایش تأکید مردان بر مسئولیت خانگی زنان، توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان کاهش پیدا می‌کند و برعکس (جدول ۶).

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

جهت	ضریب رگرسیونی	نسبت بحرانی (C.R)	P	نتیجه
معکوس	-۰/۳۰۶	-۶/۲۹۶	۰/۰۰۰	تأیید

ضریب رگرسیونی استاندارد مربوط به این فرضیه ۰/۲۹۳- می‌باشد. مقدار P مربوط به این فرضیه صفر و کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که این گواه بر تأیید این فرضیه می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که میزان و نوع آموزش فنی زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. بدین معنی با افزایش میزان و نوع آموزش فنی زنان، توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان افزایش پیدا می‌کند و برعکس (جدول ۸).

جدول ۸: نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش

جهت	ضریب رگرسیونی	نسبت بحرانی (C.R)	P	نتیجه
مستقیم	۰/۲۹۳	۵/۹۸۹	۰/۰۰۰	تأیید

فرضیه چهارم: میزان و نوع آموزش فنی زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر دارد. برای بررسی این فرضیه از همبستگی جزئی استفاده شده است. با توجه به (جدول ۷) بعد از کنترل متغیر سوم (محل سکونت) مشاهده می‌کنیم که رابطه بین میزان و نوع آموزش فنی زنان بر توسعه پایدار و توسعه پایدار در سطح ۹۵٪ اطمینان معنادار است ($\text{sig}=۰/۰۰۱$) و شدت رابطه بین دو متغیر نیز برابر با ۰/۵۳ می‌باشد که بدین معناست میزان و نوع آموزش فنی همبستگی جزئی معنادار و مثبت با توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی دارد. با توجه به جهت رابطه که مثبت می‌باشد، همبستگی جزئی بین میزان و نوع آموزش فنی زنان بر توسعه پایدار و توسعه پایدار در بین ساکنین شهر بیشتر از ساکنین روستا می‌باشد.

جدول ۷: همبستگی جزئی بین میزان و نوع آموزش فنی زنان و توسعه پایدار با کنترل متغیر محل سکونت

متغیرها	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (sig)
همبستگی مرتبه اول (با کنترل متغیر محل سکونت)	۰/۵۳	۰/۰۰۱

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش عدالت جنسیتی در بازار کار شهرستان کاشان در ایجاد توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی انجام گرفته است. جهت سنجش فرضیات این رساله از آزمون‌های توصیفی و استنباطی استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر می‌باشد.

فرضیه اول: میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر دارد.

نتایج مربوط به آزمون این فرضیه نشان داد که میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان همبستگی جزئی معنادار و مثبت با توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی دارد. با توجه به جهت رابطه که مثبت می‌باشد، همبستگی جزئی بین میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان و توسعه پایدار در بین ساکنین شهر بیشتر از ساکنین روستا می‌باشد. نتایج مربوط به تحلیل ساختاری نیز نشان داد که میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان بر توسعه

پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. بدین‌معنی با افزایش میزان دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان، توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان افزایش پیدا می‌کند و برعکس. دسترسی به فرصت‌های شغلی در واقع گام اصلی در پروسه اجرای عدالت جنسیتی در بازار کار می‌باشد، یعنی تا زمانی که زنان دارای فرصتی برای نقش شاغل نداشته باشند، توانایی اثرگذاری در بازار کار و به تبع آن توسعه پایدار دارا نمی‌باشند. نتایج حاصل از آزمون همبستگی جزیی نشان داد که این رابطه در بین ساکنین شهر نسبت به ساکنین روستا از شدت بیشتری برخوردار است، یعنی ساکنین شهر با شدت بیشتری اعتقاد دارند که دسترسی آسان زنان به فرصت‌های شغلی می‌تواند به ایجاد توسعه پایدار کمک کند. به نظر می‌رسد این تفاوت ناشی از سطح بالاتر آگاهی‌های عمومی و اجتماعی ساکنین شهرها به خاطر دسترسی به منابع اطلاعاتی بیشتر است. نتایج حاصل از معادله ساختاری نیز اثرگذاری متغیر دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان بر ایجاد توسعه پایدار را مورد تأیید قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که بخشی از واریانس متغیر توسعه پایدار توسط متغیر دسترسی به فرصت‌های شغلی برای زنان تبیین می‌شود.

فرضیه دوم: کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر دارد.

نتایج مربوط به آزمون این فرضیه نشان داد که کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان همبستگی جزیی معنادار و منفی با توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی دارد. با توجه به جهت رابطه که منفی می‌باشد، همبستگی جزیی بین کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان و توسعه پایدار در بین ساکنین روستا بیشتر از ساکنین شهر می‌باشد. نتایج مربوط به تحلیل ساختاری نیز نشان داد که کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد. بدین‌معنی با افزایش کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان، توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی

شهرستان کاشان کاهش پیدا می‌کند و برعکس. کلیشه‌های جنسیتی در واقع موانع ذهنی و اجتماعی هستند که این باور را درونی کرده‌اند که جای زن در بازار کار نیست و بدین وسیله بازار کار را از پتانسیل عظیمی از نیروی کار محروم کرده است. یکی از شروط تحقق توسعه پایدار استفاده از تمامی ظرفیت‌های طبیعی و انسانی است. کلیشه‌های جنسیتی با ایجاد محدودیت در واقع پروسه توسعه پایدار را دچار اختلال می‌کنند. کلیشه‌ها به لحاظ عادت‌ی و عرفی مشخص می‌کنند که زنان در کدام عرصه باید حضور داشته باشند و یا حضور نداشته باشند. نتایج همبستگی جزیی حاکی از آن است که این رابطه در مناطق روستایی از شدت بیشتری برخوردار است. این امر نشان می‌دهد که کلیشه‌های جنسیتی هنوز در مناطق روستایی از اهمیت زیادی برخوردارند. در این مناطق به سبب سنتی‌بودن محیط زندگی و کار هنوز باورهای قدیمی از توانایی اثرگذاری بالایی برخوردارند و به همین دلیل نقش مهم‌تری در ناپایداری توسعه در این مناطق دارند. نتایج ساختاری نیز اثرگذاری کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان بر روی توسعه پایدار را با ضریب منفی مورد تأیید قرار داد. پاسخگویانی که از کلیشه‌های جنسیتی در زمینه اشتغال زنان برخوردار بودند، از نظر توسعه پایدار در سطح پایین‌تری قرار داشتند.

فرضیه سوم: تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر دارد.

نتایج مربوط به آزمون این فرضیه نشان داد که تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان همبستگی جزیی معنادار و منفی با توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی دارد. با توجه به جهت رابطه که منفی می‌باشد همبستگی جزیی بین تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان و توسعه پایدار در بین ساکنین روستا بیشتر از ساکنین شهر می‌باشد. نتایج مربوط به تحلیل ساختاری نیز نشان داد که تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد. بدین‌معنی با افزایش تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان، توسعه پایدار

در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان کاهش پیدا می‌کند و برعکس. حوزه کاری و اشتغال نیازمند نوعی تعامل بین اعضای فعال در این عرصه می‌شد. در سیستم بازار کار به لحاظ تاریخی و عرفی نقش مردان همواره پررنگ‌تر و کلیدی‌تر بوده است. این جایگاه منتسب به مردان بیشتر اوقات این حق را در مردان به وجود آورده است که نقش زن را محدود به خانه‌داری و مسؤولیت‌های مربوط به آن حیثه کنند و زنان را از حوزه اشتغال دور بدارند. این امر خود به صورت سیستمی سبب می‌گردد که زنان از حضور در فعالیت‌هایی که توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، دور شوند. نتایج حاصل از آزمون همبستگی جزئی نشان داد که این رابطه در بین روستاییان از شدت بیشتری برخوردار است. هنوز در مناطق روستایی این باور وجود دارد که نقش زن در زندگی تنها مربوط به حوزه و حیثه خانه و خانواده می‌باشد. این رویکرد ذهنی بواسطه شرایط فرهنگی سنتی حاکم بر بافت روستایی به نوعی توسط خود زنان نیز پذیرفته شده است، البته نتایج این رابطه را در مناطق شهری نیز تأیید کرده است، ولی شدت آن در مناطق روستایی بیشتر بوده است. نتایج ساختاری نیز وجود اثر منفی تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان بر ایجاد توسعه پایدار در کاشان را مورد تأیید قرار داده است. در واقع بخشی از تغییرات توسعه پایدار به واسطه متغیر تأکید مردان بر مسؤولیت خانگی زنان بوده است.

فرضیه چهارم: میزان و نوع آموزش فنی زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر دارد.

نتایج مربوط به آزمون این فرضیه نشان داد که میزان و نوع آموزش فنی همبستگی جزئی معنادار و مثبت با توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی دارد. با توجه به جهت رابطه که مثبت می‌باشد، همبستگی جزئی بین میزان و نوع آموزش فنی زنان بر توسعه پایدار و توسعه پایدار در بین ساکنین شهر بیشتر از ساکنین روستا می‌باشد. نتایج مربوط به تحلیل ساختاری نیز نشان داد که میزان و نوع آموزش فنی زنان بر توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. بدین معنی با افزایش

میزان و نوع آموزش فنی زنان، توسعه پایدار در مناطق شهری و روستایی شهرستان کاشان افزایش پیدا می‌کند و برعکس. اگر فرصت حضور زنان در عرصه عادلانه اشتغال فراهم باشد، این سؤال پیش می‌آید که زنان چقدر آماده تصدی این مشاغل می‌باشند؟ آیا زنان آمادگی لازم به لحاظ فنی جهت اشغال مشاغل موجود در بازار کار را دارا می‌باشند؟ این فرضیه مبین همین مسأله می‌شد. حضور مؤثر زنان در بازار کار نیازمند وجود آموزش‌های فنی و میزان بالایی از این نوع آموزش‌ها می‌باشد، یعنی هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی باید زنان از آموزش‌های تخصصی برخوردار باشند که بتوانند به واسطه آن حضور فعالی در بازار کار داشته باشند و مشاغلی را تصاحب کنند که بر فرایند توسعه پایدار اثرگذار باشد. حضور در مشاغل سطح پایین و غیر مدیریتی توان تصمیم‌سازی و اثرگذاری را کاهش می‌دهد و بر توسعه پایدار تأثیر به سزایی ندارد. نتایج مربوط به آزمون همبستگی جزئی نشان داد که رابطه در بین ساکنین شهر از شدت بالاتری برخوردار است. در واقع این بیانگر آن است که اهمیت این مسأله که حضور زنان در بازار کار نیازمند داشتن آموزش‌های فنی لازم و مرتبط با مشاغل است در مناطق شهری بیشتر و بهتر پذیرفته شده است. این رابطه در مناطق روستایی نیز تأیید شده است. نتایج مربوط به تحلیل ساختاری نیز نشان داد که متغیر میزان و نوع آموزش زنان بر توسعه پایدار شهر کاشان اثر مثبت دارد. در واقع میزانی از تغییرات توسعه پایدار شهرستان کاشان به وسیله متغیر میزان و نوع آموزش فنی تبیین شده است.

با جمع‌بندی نتایج تحقیق، پیشنهادهایی که مبتنی بر یافته‌های پژوهش حاضر هستند، به شرح زیر ارائه می‌شوند.

- اعمال رویکرد جنسیت و توسعه در برنامه توسعه.
- تدوین و اجرای برنامه‌های متعدد برای افزایش مشارکت سیاسی زنان از جمله اعمال روش تبعیض مثبت.
- اجرای برنامه‌های متعدد برای تسهیل اشتغال زنان به عنوان نیمی از نیروی انسانی مؤثر در توسعه کشور.
- لغو سهمیه‌بندی جنسیتی در پذیرش داوطلبان کنکور.
- لزوم گسترش مراکز تخصصی جهت آموزه‌های فنی و حرفه‌ای برای زنان.

- راه‌اندازی کمیته جهت آگاه‌سازی جامعه در مورد منافع حضور زنان در باز کار بر توسعه.
- ایجاد نهادهای مردم‌نهاد در ارتباط با موضوع عدالت جنسیتی.
- استفاده از شبکه‌های مجازی جهت تبلیغ عدالت جنسیتی.
- برگزاری دوره‌های آموزشی در ارتباط با موضوع عدالت جنسیتی در روستاها برای زنان.
- ترغیب مراکز کارآفرین در جهت نظرگرفتن زنان در بحث کارآفرینی.
- تدوین شاخص‌های عدالت جنسیتی و روشن‌سازی در ارتباط با آن.

References

1. Taghizadeh K, Marzieh B. The position of women in Iran after the Islamic Revolution. Tehran: Collection of Articles in the Conference on the Commemoration of the Islamic Revolution Ladies; 2008. p.22.
2. Ritz G. Sociological theory of the contemporary era. Translated by Tholathi M. Tehran: Scientific Publication Institute; 2003. p.474.
3. Raheim S, Bolden J. Economic Empowerment of Low Income Women through Self-Employment Programs. *Affilia Journal of Women and Social Work* 1980; 6(5): 138-154.
4. Mo'eidfar S. Gender-based separation of villagers at work, leisure time, activity and consumption of cultural products. *Journal of Sociology Association* 2004; 5(2): 179-200.
5. Fazilekhani D. The position and role of women in the process of rural development (case study: Gilan Province). *Teacher Training University* 1996; 16(4): 42-50.
6. Tabataba'ei Ghomi M. Investigating the gender rejections in workplace and its social and psychological outcomes. Tehran: Al-Zahra University; 2011. p.401.
7. Awdah A. Islamic criminal law. Tehran: Iranian Academic Center for Education, Culture & Research; 1993. Vol.2 p.217.
8. Tabatabaei M. Public freedoms and human rights. 4th ed. Tehran: Tehran University Press; 2009.
9. Ghaffari G, Adel Ebrahimi L. Sociology of the social changes. Tehran: Agra and Luyeh Publication Institutions; 2005. p.185.
10. Anis I. Al-Mujam al-Wasi. Cairo: Islamic Press; 1993. p.612.
11. Jafari Langeroodi MJ. Legal Lexicon. Tehran: Ganje Danesh; 1999. Vol.4 p.2553.